

## ارزیابی ماهیت سیاسی - فکری جنبش شهید فخر در مقایسه با قیام کربلا

مسلم طاهری کلکشوندی / کارشناس ارشد رشته شیعه‌شناسی  
محمدرضا بارانی / استادیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه الزهراء علیها السلام

### چکیده

تحلیل موضع‌گیری امامان شیعه علیهم‌السلام در مقابل عملکرد اجتماعی سیاسی افراد و گروه‌های هم‌دوره خود، می‌تواند زمینه‌ساز ترسیم الگویی مشخص برای پیروی شیعیان از این بزرگواران در هر عصر باشد. در دوره امامان علیهم‌السلام قیام‌های متعددی صورت گرفت که یکی از آنها قیام شهید فخر (۱۶۹ ق) بوده است. تحلیل و بررسی ماهیت این قیام هدف این مقاله است. در آغاز به بیان مقدمه‌ای کوتاه درباره چگونگی قیام و عوامل وقوع آن پرداخته می‌شود؛ سپس به بررسی ماهیت سیاسی فکری قیام، متناسب با اهداف مطرح‌شده از سوی رهبر قیام، و در پایان به اعتبارسنجی قیام با معیار قیام امام حسین علیه‌السلام در کربلا توجه خواهد شد. نتیجه این پژوهش، دستیابی به رهیافتی است که ضمن تأکید بر ماهیت سیاسی - فکری قیام فخر، اعتبار آن را در مقایسه با خط‌مشی جهادی که پیشوایان بزرگ شیعه علیهم‌السلام در عصر خود انتخاب نموده‌اند، به‌ویژه امام موسی کاظم علیه‌السلام که هم‌عصر با این رخداد بوده است، می‌سنجد. وجود نموده‌های مشابه یا متفاوت در این قیام با نهضت امام حسین علیه‌السلام به‌عنوان یک قیام معتبر و اصیل شیعی، بررسی نقادانه ماهیت سیاسی - فکری این قیام را ضروری می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: قیام، شهید فخر، حسنین، عباسیان، قیام عاشورا، امام حسین علیه‌السلام.

## مقدمه

پس از صلح امام حسن علیه السلام و قیام امام حسین علیه السلام، جامعه شیعی با توجه به سلیقه‌های موجود در آن، شاهد بروز مشی‌های متفاوتی بوده است. امام باقر علیه السلام در روایتی ظریف، تشمت آرا و تفاوت موضع‌گیری‌های شیعیان (به معنای اعم) را در مقابل پیشوایانشان - که همان ائمه علیهم السلام باشند - به تصویر می‌کشند. ایشان می‌فرمایند: به خدا قسم، کاری که حسن بن علی علیه السلام انجام داد، از آنچه خورشید بر آن می‌تابد، برای این مردم بهتر بود... آنها [از امام حسن علیه السلام، اعلام] جهاد را خواستند، ولی هنگامی که جهاد به همراه حسین علیه السلام بر آنها واجب شد، گفتند: پروردگارا! چرا بر ما جهاد واجب کردی؟ ای کاش تا فرصتی نزدیک آن را به تأخیر می‌انداختی...» (کلینی، ج ۸، ۱۴۱۳ق، ص ۳۳). در این روایت، تطبیقی واضح بین طیف‌های مختلف از پیروان ائمه اطهار علیهم السلام را در میزان ولایت‌مداری و پیروی‌شان از امام عصر خود می‌بینیم؛ تطبیق کسانی که برای دست کشیدن از جنگ، به امام حسن علیه السلام اعتراض می‌کردند، بر کسانی که در آیه (أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ) (نساء: ۷۷) سرزنش شده‌اند؛ و تطبیق کسانی که هنگام وجوب جهاد، پا پس کشیدند، بر کسانی که در فراز دیگر همان آیه (فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ) سرزنش می‌شوند.

ابتکار عمل در قیام‌های شیعی دوره بنی‌امیه به دست شاخه حسینی علویان، یعنی زید (م ۱۲۲ ق) و فرزندش یحیی (م ۱۲۶ ق) بود؛ اما قیام‌های سیاسی - نظامی شیعی در دوره عباسیان، به شاخه حسنی علویان منتقل شد. حسنیان در برابر حکومت دو موضع متفاوت گرفتند. بیشتر آنان به همراه عبدالله بن حسن علیه السلام و فرزندان در برابر عباسیان قرار گرفتند. آنان بیشتر تحت تأثیر شعار زید بن علی علیه السلام، مشروعیت حکومت را فقط از آن فرزندان فاطمه علیها السلام می‌دانستند که طبیعتاً منحصر در نسل امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام می‌شد. (صفری روشانی، ۱۳۸۸، ص ۶۱). عده

کمی نیز، از جمله حسن بن زید بن حسن علیه السلام و جعفر بن حسن بن حسن علیه السلام برخلاف جریان حسنیان، با عباسیان همراه شدند (کاتب واقدی، [بی تا]، ج ۴، ص ۷ نیز ر.ک: ابن عساکر، ۱۴۱۹ق، ج ۲۷، ص ۳۶۸). حسنیان متأثر از آموزه‌های زیدیه، امر به معروف و نهی از منکر را در هر شرایطی واجب می‌دانستند. از سوی دیگر، به آموزه تقیه چندان اعتقاد نداشتند (آموزه‌ای که امامان شیعه سخت بدان معتقد و امامیه در تلاش برای پایبندی به آن بوده‌اند)؛ از این رو، به محض به دست آوردن کوچک‌ترین موقعیتی، در برابر حکومت عباسی قیام می‌کردند (اصفهانی، ۱۳۴۹، ص ۸۱-۶۳ به نقل از: صفری فروشانی، ۱۳۸۸، ص ۶۲). فراگیر شدن این نظریه موجب از بین رفتن انسجام شیعیان حول ائمه معصومین و چنددستگی میان اقلیت شیعه در طول تاریخ آن شده است. از جمله حسنیانی که برضد خلافت عباسی در دوره دوم تاریخ اسلامی قیام کردند، حسین بن علی بن حسن (مثلث) بن حسن (مثنی) بن حسن بن علی بن ابی‌طالب علیه السلام معروف به صاحب فخر، نبیره امام حسن مجتبی علیه السلام و امام آن زمان زیدیان (طبری، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۴۱۰)، در عصر موسی الهادی، خلیفه عباسی بود. وی به سبب اهانت و شدت گرفتن ستم والی مدینه، عمر بن عبدالعزیز بن عبدالله بن عمر بن خطاب، بر آل علی علیه السلام در مدینه برضد خلافت عباسی قیام کرد و در ابتدا موفقیت‌هایی به دست آورد؛ اما سرانجام شکست خورد و در هشتم ذی‌الحجه ۱۶۹ ق (ژوئن ۷۸۶)، پای کوه البارود در «فخر»<sup>۱</sup> موضعی در نزدیکی مکه، همراه با یارانش شهید شد (Veccia Vaglieri, p.1986). یحیی و برادرش ادریس، فرزندان عبدالله، از این قیام جان سالم به در بردند. یحیی به یمن رفت و برای مدتی در آنجا اقامت گزید؛ سپس روانه ری و خراسان شد و دعوت خود را آشکار کرد. پس از مدتی با هارون الرشید صلح کرد و از او امان‌نامه گرفت. سرانجام، هارون با ادعای خدشه‌دار بودن متن امان‌نامه، آن را باطل اعلام کرد و در سال ۱۸۴ه.ق یحیی را در زندان کشت (طبری، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۱۹۲ و ۱۹۳ / ج ۵ ص ۲۵ / ابن خلدون، ۱۹۷۹م، ج ۳، ص ۲۱۵ / اصفهانی، ۱۳۴۹، ص ۴۳۱ به بعد / ابن اثیر، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۹۰ / مسعودی، ۱۳۷۷ق، ج ۳۳، ص ۲۶۳).

۱. محلی بین مکه و مدینه، که هم‌اکنون در بافت شهری مکه معظمه، در مجاورت خیابان شهدا قرار گرفته است.

## ۱. روش‌شناسی تحقیق

روش‌شناسی مطالعه یا استراتژی تحقیق، به چگونگی برنامه‌ریزی و اجرای تحقیق مربوط می‌شود. این امر به معنای انتخاب روش مناسب تحقیق و یافتن نحوه به‌کار بردن آن در حوزه مورد مطالعه است (گیدنز، ۱۳۸۷، ص ۷۱۶). دستیابی به ماهیت سیاسی - فکری قیام فخر در این پژوهش، به دو روش صورت گرفته است:

### ۱-۱. مطالعه اسنادی

پژوهش اسنادی (Documentary Study)، در واقع یکی از فراگیرترین روش‌هایی است که به شکل‌های گوناگون در گردآوری داده‌ها استفاده می‌شود (همان، ص ۷۳۳). اسنادی که در تحقیق استفاده می‌شوند، عملاً همیشه شامل اطلاعات و نتایجی است که نویسندگان قبلی در حوزه مورد بحث فراهم کرده‌اند. در بسیاری از تحقیقات، به همان اندازه که به تهیه داده‌های کاملاً جدید توجه می‌شود، به گردآوری و تحلیل اطلاعات از کارهای دیگران نیز ابراز علاقه می‌شود (همان).

بنابراین در این پژوهش، به مهم‌ترین منابع تاریخی، اعم از متن نامه‌ها، سخنرانی‌ها و...، یا منابع پژوهشی موجود مانند کتب، تحقیقات، پژوهش‌های تحلیلی و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی، و نیز دایرةالمعارف‌های اسلامی، رجوع شده است. همچنین به مطالعه کتب تحلیلی از زندگانی ائمه معصومین علیهم‌السلام، به‌ویژه امام موسی کاظم علیه‌السلام و مقالات متنوع گزارشی-تحلیلی پرداخته شده و همان‌گونه که ذکر شد، رجوع به مخزن اصلی قیام‌ها و نهضت‌های شیعی در تاریخ اسلام، نقش اساسی را ایفا کرده است.

### ۱-۲. مطالعه تطبیقی

ساختن الگویی از مطالعه، بر مبنای یک اصل موضوعی یا مفهوم کلی، که به‌عنوان پیش‌فرض تفسیر پدیده موضوع تحقیق انتخاب شده است، آغاز می‌شود (کیوی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۰). این الگو، با استدلال منطقی، فرضیه‌ها، مفاهیم و شاخص‌هایی را می‌سازد که داده‌های مشاهده‌شده باید آنها را تأیید کنند (همان).

در پژوهش‌های تاریخی، داده‌های موجود بی‌حد و حصرند (بی‌بی، ۱۳۸۷، ص ۶۸۴). در ابتدای یک پژوهش تاریخی، این نکته را باید به یاد داشته باشیم که مورخان ممکن است آنچه را که شما می‌خواهید بررسی کنید، گزارش کرده باشند. بنابراین تحلیل آنان می‌تواند زمینه اولیه را به شما عرضه کند و سکوی پرش برای تحقیقی عمیق‌تر باشد (همان). سرانجام برای دستیابی به نتیجه‌ای فراتر از نتیجه‌گیری‌های دیگران، و بررسی برخی از «داده‌های خام» و ارائه نتیجه نو، ضروری است که از روش مطالعه تطبیقی - تاریخی استفاده شود (همان، ص ۶۸۵).

در روند پژوهش‌های تاریخی، نمی‌توان به دقت بودن برخی مدارک، اعم از رسمی و غیررسمی، و دست اول و دست دوم، اعتماد کرد. آنچه پژوهشگر را از خطا دور می‌دارد، تکرار است. در پژوهش تاریخی، «تأیید» (Corroboration) از اهمیت شایان توجهی برخوردار است؛ یعنی هرگاه چند منبع به‌طور یکسان به مجموعه‌ای از «واقعیات» اشاره کنند، اعتماد شما به‌طور قابل ملاحظه‌ای به آنها بیشتر می‌شود (همان، ص ۶۸۶).

در پژوهش حاضر، پیش‌فرض تفسیری از قیام فخر، وجود الگوی کربلای حسینی علیه السلام است. در این الگو، داده‌های موجود درباره حادثه فخر که در چند منبع قابل اعتماد آمده باشد، گردآوری شده و سپس مورد آزمایش و اعتبارسنجی قرار گرفته است. از این رو، ماهیت سیاسی - اجتماعی قیام فخر، بر اساس ماهیت سیاسی - اجتماعی قیام کربلا به رهبری امام معصوم علیه السلام و چگونگی تعامل رهبر این قیام با امام عصر علیه السلام خود ارزیابی خواهد شد.

## ۲. مفهوم‌شناسی

در آغاز مناسب است برخی واژگان مورد توجه قرار گیرد تا بر اساس تعریف و تبیینی که از آنها وجود دارد، فرایند بحث پیگیری شود و از برداشت‌های متفاوت در خوانش تحقیق پرهیز گردد.

## ۱-۲. ماهیت سیاسی

ماهیت به معنای حقیقت چیزی مستعمل است (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۲۰۶۱). ماهیت یک جنبش، به اندیشه و تفکر حاکم بر آن بسیار ارتباط دارد؛ به‌ویژه اگر آن جنبش جایگاه سیاسی و دینی داشته باشد. جنبش شهید فخر، جایگاه سیاسی و دینی مهمی داشت و زمینه‌ی یک تحول را فراهم ساخت. بنابراین، در بررسی ماهیت سیاسی این نهضت، از دو محور مهم در چهارچوب شرایط سیاسی اجتماعی حسین‌بن‌علی، صاحب فخر، سخن خواهد رفت؛ اما پیش از ورود به این بحث، مبنای زیدیه در باب امامت مطرح خواهد شد تا زوایای پنهان تحلیل رویدادهای این قیام و دیگر قیام‌های حسنی را روشن کند.

مذهب زیدیه بر وجوب عقلی امامت، به‌مثابه فرعی از فروع دین استدلال می‌کند. به نظر پیروان زیدبن‌علی علیه‌السلام، امامت، ریاست عامه، و از واجب‌ترین و مهم‌ترین واجبات است و به دو شیوه تحقق می‌یابد: نخست از طریق «تعیین» که جز در اهل‌بیت علیهم‌السلام امکان ندارد؛ دوم از راه «ترشیح»، و معنای ترشیح آن است که مردم یکی از آل‌البیت (فرزندان امام حسن و حسین علیهم‌السلام) را که واجد بیشترین شروط امامت است و دیگران را به اطاعت خدا دعوت می‌کند، به امامت برگزینند.

زیدیه معتقد به امامت علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام هستند، اما امامت او را نه از طریق نص و تصریح پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به اسم و شخص، بلکه از آن روی مشروع و مسلم می‌دانند که هم بیشترین شرایط امامت را داشت و هم مدعی این مقام بود و مردم را به امامت خویش فراخواند.

زیدیه به عصمت امامان و اندیشه‌ی تقیه، آن‌گونه که در شیعه‌ی دوازده‌امامی مطرح است، معتقد نیستند و برخی از آنها بر درستی خلافت ابوبکر و عمر ایمان دارند. شیعه‌ی زیدی، شجاعت و قیام را شرط اساسی امام می‌داند و چنین می‌اندیشد: کسی که در خانه نشسته، صورت خود را می‌پوشاند و از جهاد پرهیز می‌کند، شایسته‌ی

امامت نیست؛ بلکه امام همان کسی از آل‌البیت است که قیام می‌کند و مردمان را به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله فرا می‌خواند و در این راه به شهادت می‌رسد و کس دیگری به جای او قیام می‌کند؛ زنجیره این امامان مجاهد تا پایان دنیا تداوم خواهد داشت (الزین، ۱۹۸۵م / ۱۴۰۵ق، ص ۱۷۷-۱۷۸ و ص ۱۸۱).

بر اساس گزارش‌های به‌جای مانده، حسین‌بن‌علی معروف به شهید فخر، مردم را این‌گونه به بیعت با خود فرامی‌خواند: «ادعوکم الی الرضا من آل محمد و علی أن نعمل فیکم بکتاب الله و سنة نبیه و العدل فی الرعیة، و التقسم بالسویة» (اصفهان، ۱۳۴۹ق، ص ۳۷۸). او در این دعوت، بر دو نکته تأکید کرده است: نخست اینکه در صورت پیروزی، حکومت را به اهل‌بیت می‌سپرد؛ دوم اینکه عدالت‌گرایی را - که با مفهوم «تقسیم بالسویة» عنوان می‌شد - به عنوان شعار خود مطرح کرده است (جعفریان، ۱۳۸۱، ص ۲۵۰). بر این اساس می‌توان ماهیت جنبش شهید فخر را ماهیتی دینی، سیاسی و اجتماعی دانست که درصدد واگذاری حکومت به افراد شایسته و برحق و مورد رضایت رسول خدا صلی الله علیه و آله و خاندان او و نیز اجرای عدالت برای رفاه و آسایش مردم است.

## ۲-۲. جنبش و قیام

جنبش واژه‌ای است فارسی و اسم مصدر فعل «جنبیدن» و به معنای حرکت و در مقابل آرام و سکون است (دهخدا، ۱۳۷۷، واژه «جنبش»). در *دایرة المعارف دموکراسی*، جنبش این‌گونه تعریف شده است: به آن دسته از اقدام‌های جمعی گفته می‌شود که تشکیلات منظم و کاملی ندارند و گروه‌های بدون نماینده یا کسانی که مدعی نمایندگی این گروه‌ها نیستند، به ارتباط مداوم با نخبگان، مقامات یا دیگر گروه‌ها مبادرت می‌کنند (لیپیست، ۱۳۸۳، ص ۵۴۷). رهبران جنبش‌های تاریخی نیز مثل فعالان جنبش‌های سیاسی جدید، دست به اقدام جمعی هماهنگ برضد مخالفان می‌زدند (همان). اقدام جمعی، ویژگی جامعه بشری است و قدمت آن به زمان بروز تضادهای اجتماعی، یا در واقع همان زمانی می‌رسد که می‌توان گفت جامعه بشری پیدا شده

است (همان، ص ۵۴۹). البته این گونه اقدام‌ها معمولاً خواست‌های مردم عادی را مستقیماً در محل بیان می‌کردند؛ پاسخی محدود به اعتراض‌های فوری می‌دادند؛ به مقابله با مخالفان برمی‌خاستند؛ و تقریباً هیچ‌گاه در پی متحدی در میان دیگر گروه‌ها یا نخبگان سیاسی نبودند (همان).

حاصل این وضع، وقوع طغیان‌های پیاپی بود که به‌ندرت متشکل و سازمان‌یافته، و معمولاً کوتاه و گذرا بودند و دوره‌های انفعال و رخوت در پی داشتند. این طغیان‌ها موجب شکل‌گیری اقدامات جمعی حاد شدند؛ اما جنبش اجتماعی سراسری نبودند (همان). جنبش اجتماعی را می‌توان کوشش دست جمعی برای پیشبرد منافع مشترک، یا تأمین هدفی مشترک از طریق عمل جمعی خارج از حوزه‌های رسمی تعریف کرد. از آنجا که میان انواع گوناگون جنبش تفاوت وجود دارد، این تعریف باید کلی باشد (گیدنز، ۱۳۸۷، ص ۶۷۹). انواع جنبش‌ها را از دیدگاه آنتونی گیدنز می‌توان این گونه تقسیم‌بندی کرد: جنبش‌های دگرگون‌ساز؛ جنبش‌های اصلاح‌طلب؛ جنبش‌های تغییردهنده؛ و نهایتاً جنبش‌های رستگاری‌بخش. می‌توان مدعی شد که جنبش و حرکت شهید فخر، از نوع «جنبش رستگاری بخش» بوده است. گیدنز در تعریف این قسم از جنبش‌ها می‌گوید: جنبش‌های رستگاری‌بخش درصدد نجات افراد از آن شیوه زندگی‌اند که فاسدکننده پنداشته می‌شود (همان، ص ۶۸۱). جنبش در اصطلاح، به معنای حرکت و «نهضت»، و معادل لاتین آن «Movement» است. اصطلاح «جنبش» عمدتاً در علوم سیاسی استفاده شده است. صاحب‌نظران معاصر برای حرکت‌های سیاسی حسنیان، اصطلاح «ثوره» را به کار برده‌اند. (اللهی‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۴۶). در این پژوهش، «قیام» به معنای ایستادگی چند نفر یا جمعی از افراد برای احقاق حق در نظر گرفته شده، که بیشتر برضد حکومت و قوانین حاکمه است. اصولاً از یک نگاه، دو نوع قیام قابل تصور است: نخست قیامی که تعداد حاضران در آن، واقعاً انگشت‌شمار بوده و سرانجامی ترازیک داشته‌اند. این دسته، قیام‌هایی را شامل می‌شود که برای دوره‌های بعد، حالت اسوه و الگو به خود می‌گیرند. برای نمونه در تاریخ ایران، قیام کاوه آهنگر چنین حالتی پیدا کرده است. این تصویری است که فردوسی از آن برای ما ارائه کرده است و قاعدتاً باید تا روزگار وی همچنان در



اذهان پابرجا بوده باشد. در ادبیات اسلامی، به ویژه ادبیات شیعی نیز قیام امام حسین علیه السلام حالت نوعی الگو و اسوه یافته است؛ یعنی از حالت یک واقعه در یک زمان درآمده، تعمیم یافته و نوعی بی‌زمانی یا فرازمانی در آن لحاظ شده است. نوع دیگر قیام، قیامی است که با توجه به اهداف خود در یک مقطع تاریخی انجام می‌گیرد و پرونده‌اش همان‌جا بسته می‌شود؛ چه موفق باشد، چه ناموفق. (جعفریان، ۱۳۸۱، ص ۲۴۸) از این رو پژوهش درباره این نوع قیام‌ها، در قالب پژوهش‌های تاریخی قرار خواهد گرفت. در این پژوهش، قیام امام حسین علیه السلام به عنوان الگو، سنجه و سنگ محکی برای ارزیابی قیام شهید فخر استفاده شده است.

### ۳-۳. شهید فخر

فَخْرٌ، محلی است در شش کیلومتری جنوب مکه (حموی، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۲۳۷). امروزه آن را خیابان شهدا می‌نامند. حسین بن علی بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب، رهبر قیامی بود که در این منطقه با حکومت عباسی جنگید. مادر او زینب، دختر عبدالله بن حسن بود و پدر و مادرش را به دلیل عبادات مستمر و طولانی‌شان «زوج صالح» می‌نامیدند (اصفهانی، ۱۳۴۹، ص ۴۳۱). حسین در حدود سال ۱۲۸ق متولد شد (حسنی، ۱۴۲۳، ص ۴۶۳). دوران زندگی او با دوره امام کاظم علیه السلام و دوران خلافت عباسیان همراه بوده است و قیام او در اوایل خلافت هادی عباسی اتفاق افتاد. (طبری، ۱۳۷۵، ج ۸، ص ۱۸۷ و ۲۱۳ / مسعودی، ۱۳۷۷، ق، ج ۳، ص ۳۳۵ / مقدسی، ۱۹۲۶، ص ۹۹).

### ۳-۴. حسنیان

در برابر امویان چند گروه قرار داشتند که حسنیان، حسنیان و عباسیان از مهم‌ترین آنان بودند. حسنیان فرزندان و نوادگان امام حسین علیه السلام بودند که فرقه امامیه به امامت فرزندان او باور داشتند؛ هرچند برخی از نوادگان ایشان نیز ادعای رهبری داشتند و قیام کردند. عباسیان، فرزندان عبدالله بن عباس بودند که پس از رسیدن به قدرت، بیش از پنج قرن بر قسمت اعظم دنیای اسلام فرمانروایی کردند و به نظر

برخی، خلافت آنان به دو دوره تقسیم شده است: دوره اول (۱۳۲-۳۳۴ق) و دوره دوم (۳۳۴-۶۵۶ق) (Lewis, 1989, p.17) گرچه نظر درست آن است که به پنج دوره تقسیم می‌شود. آنان در آغاز، در برابر حکومت امویان قرار گرفته بودند و پس از به قدرت رسیدن، جنبش‌هایی از سوی فرزندان و نوادگان امام حسن علیه السلام که به حسنیان مشهور شدند، در برابر آنان پدید آمد.

اصطلاح «حسینیان» به لحاظ تاریخی، به فرزندان امام حسن علیه السلام برای بازشناسی از فرزندان امام حسین علیه السلام (حسینیان) اطلاق می‌شود (Deverdun, Vol.3, 1979, p.256). نسب حسنیان، به زیدبن حسن علیه السلام برمی‌گردد. از لحاظ تاریخی، این اصطلاح بیشتر برای فرزندان حسن بن حسن علیه السلام کاربرد داشته است؛ زیرا ایشان در حوادث و رویدادهای تاریخی و سیاسی سده‌های نخستین اسلامی، صاحب نقش بودند و موفق شدند حکومت‌هایی در مغرب و یمن تأسیس و مبانی عقاید فرقه زیدیه را تدوین کنند. این اصطلاح تازه‌ای نیست که معاصران ابداع کرده باشند؛ بلکه در همان زمان، یعنی قرن دوم هجری، درباره قیام‌کنندگان حسنی به کار می‌رفت (الهی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۴۷). در برخی پژوهش‌ها، مدارک تاریخی برای وجود اصطلاح «بنی‌الحسن» یا حسنیان گردآوری شده است که چند مورد ذکر می‌شود:

عبدالله بن مصعب زبیری (از بیعت‌کنندگان با نفس زکیه) خطاب به او ابیاتی گفت؛ از جمله این بیت:

قوموا بیعتکم ننهض بطاعتنا  
ان الخلافة فیکم یا بنی حسن  
(اصفهانی، ۱۳۴۹ق، ص ۴۷۷)

غالب بن عبدالله عثمانی نیز در یکی از مراثی خود برای نفس زکیه و ابراهیم، اصطلاح «بنی‌الحسن» را به کار برده است:

امست بلاقع من بنی  
الحسن بن فاطمه الارشد  
(همان، ص ۳۸۵)

در مرثیه‌ای دیگر از شاعری نامعلوم برای حسین بن علی (شهید فخ) نیز این اصطلاح آمده است:

یا عین بکی بدمع منک منهمر  
فقد رایت الذی لاقی بنو حسن  
(حموی، [بی‌تا]، ص ۴۸۱)

اهل بیت علیهم السلام نیز اصطلاحی تاریخی، قرآنی، حدیثی و کلامی است که معنای آن، «خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله» است (ابن منظور، ۱۳۶۴، ص ۲۵۳ / فیروزآبادی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۸۶). «اهل» کلمه‌ای است که برای انسان، قبیله، شهر، دین، خانه و حکومت به کار می‌رود. و مصغر «آل» است. «اهل بیت» به معنای کسانی است که نسب خانوادگی، وسیله جمعشان است (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ص ۳۰).

در متون تاریخی، خبری که نشانگر استفاده شایع اصطلاح «اهل بیت» پیش از اسلام باشد، وجود ندارد؛ ولی پس از اسلام، به ویژه پس از نزول آیات ۳۲-۳۴ سوره احزاب، این اصطلاح درباره حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و فرزندان آن دو به کار رفته است.

پس از قرن اول و با وجود استفاده زودگذر عباسیان از این اصطلاح برای خود، از لحاظ تاریخی، تنها گروهی که این اصطلاح یا مفهوم را با عنوان یک استراتژی و شعار برای خود به کار برده و بیشتر در صدد بهره‌گیری سیاسی از آن بر ضد جریان‌های حاکم و غاصب بوده و معمولاً هنگام بیان حقانیت یا تظلم از آن استفاده کرده‌اند، علویان (حسینیان و حسینیان) از نسل فاطمه علیها السلام بوده‌اند (الهی زاده، ۱۳۸۵، ص ۵۸).

حسینیان این اصطلاح را در معنای نسبی آن و به معنای نسل پیامبر صلی الله علیه و آله به کار می‌بردند، ولی حسینیان آن را به دسته معینی از نسل فاطمه علیها السلام محدود می‌دانستند. استفاده فراوان امامان شیعه علیهم السلام از این اصطلاح درباره خود، در احادیث آشکار است. از جمله، در باور شیعیان، مقصود از اهل بیت در احادیثی چون حدیث ثقلین، حدیث سفینه و حدیث نجوم، امامان دوازده‌گانه‌اند؛ زیرا به دلایل عقلی و نقلی، منزلتی که در این احادیث آمده، تنها برای آنان ثابت است؛ چنان‌که جمعی از اهل سنت هم به آن تصریح کرده‌اند. شیعیان بر اساس دلایل یادشده و شواهدی که در تاریخ اسلام آمده است، معتقدند که واژه اهل بیت علیهم السلام صرفاً به چهارده معصوم اطلاق می‌شود و بنابر آن شواهد، حتی همسران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز داخل در مفهوم اهل بیت علیهم السلام نیستند؛ هر چند به‌عنوان همسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله جایگاه آنان محفوظ است. فراوانی کاربرد اصطلاح اهل بیت یا مفهوم آن، در سخنرانی‌ها، نامه‌ها و دعوت‌های قیام‌کنندگان حسنی دیده می‌شود و قیام حسین بن علی (صاحب فخر) در پژوهش حاضر، مؤید این سخن است.

### ۳. زمینه‌های قیام

مهم‌ترین نگرانی و تهدید خلافت عباسیان، جنبش علویان بود. این جنبش از ابتدای خلافت به وجود آمد و علویان با موروثی شدن خلافت در خاندان عباسی، به مبارزه با آن پرداختند. در سال ۱۴۴ق خلیفه عباسی بسیاری از حسنیان را در حالی که غل و زنجیر به پا و گردن داشتند، از زندان مدینه به زندان‌های عراق منتقل کرد، منصور در سال ۱۴۵ق پایتخت خود را از هاشمیه در نزدیکی کوفه که مرکز تجمع هواداران علویان بود، به بغداد انتقال داد. پس از تشکیل حکومت عباسی، حسنیان دو موضع متفاوت در برابر آن حکومت اتخاذ کردند. بیشتر آنان به همراه عبدالله بن حسن علیه السلام و فرزندان او در مقابل عباسیان قرار گرفتند و عده کمی، از جمله حسن بن زید بن حسن علیه السلام و جعفر بن حسن بن حسن علیه السلام با آنان همراه شدند (کاتب واقدی، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۷/ نیز ر.ک: ابن عساکر، ۱۴۱۹ق، ج ۲۷، ص ۳۶۸).

از جمله حسنیانی که در برابر حکومت عباسی قیام کرد، ابو عبدالله حسین بن علی بن حسن (مثلت) بن حسن (مثنی) بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام از بزرگان بنی حسن علیه السلام در عصر حکومت موسی الهادی بود. تا زمانی که مهدی، پدر هادی عباسی خلافت داشت، وضعیت حسنیان مناسب بود؛ اما با مرگ مهدی و روی کار آمدن هادی، وضعیت دگرگون شد. وی عمر بن عبدالعزیز بن عبدالله بن عمر بن خطاب را به ولایت مدینه منصوب کرد. وی بر علویان بسیار سختگیری می‌کرد؛ به گونه‌ای که در این برهه از زمان، احساس نارضایتی شدیدی در علویان ایجاد شد. بر اساس شواهد تاریخی، می‌توان به مواردی از دلایل عینی ایجاد این نارضایتی اشاره کرد. برای نمونه، حسین بن علی صاحب فخ، به راحتی به دربار مهدی عباسی رفت و آمد می‌کرد و مطالبات خود را به خلیفه عرضه می‌داشت؛ حتی می‌توان مدعی شد رابطه وی با خلفای عباسی قبل از هادی، حسنه بود و ظاهر امر نشان‌دهنده پذیرش خلافت عباسیان از سوی وی بوده است؛ اما با اعمال فشارهای خارجی ناشی از سیاست خلیفه وقت عباسی بر علویان، این حسن ارتباط به تنش جدی بین آن دو به نمایندگی از دو تفکر مختلف در جامعه اسلامی آن روز تبدیل شد و نارضایتی‌ها به سمت هادی

عباسی سوق پیدا کرد. سختگیری‌های حاکم مدینه چنان زیاد شد که تکاپوی هرچه بیشتر علویان برضد دستگاه حکومتی آن روز را برانگیخت و دامنه این جنبش تا شوریدن بر ضد هادی خلیفه عباسی پیش رفت؛ حسین بن علی، رهبر این جنبش، ابتدا موفقیت‌هایی را به دست آورد. اما سرانجام شکست خورد و در هشتم ذی‌الحجه سال ۱۶۹ق در «فخ» همراه با یارانش شهید شد. یحیی و برادرش ادریس که از فرزندان عبدالله بن حسن علیه السلام بودند، از این قیام جان سالم به در بردند. یحیی به یمن رفت و برای مدتی در آنجا اقامت گزید؛ سپس روانه ری و خراسان شد و دعوت خود را آشکار کرد. پس از مدتی، با هارون الرشید صلح کرد و از او امان‌نامه گرفت. سرانجام، هارون با ادعای خدشه‌دار بودن متن امان‌نامه، آن را باطل اعلام کرد و در سال ۱۸۴ق وی را در زندان کشت (طبری، ۱۳۷۵، ج ۸، ص ۱۹۲ و ۱۹۳/ج ۵، ص ۲۵/الاعلام، ج ۲، ص ۲۶۴/ ابن خلدون، ۱۹۷۹م، ج ۳، ص ۲۱۵/ اصفهانی، ص ۴۳۱ به بعد/ ابن اثیر، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۹۰ / مسعودی، ۱۳۷۷ق، ج ۳۳، ص ۲۶۳) ادریس نیز راه مغرب را در پیش گرفت و در آنجا دولت ادریسیان را بنیان نهاد.

مورخان بر آن‌اند که انگیزه قیام صاحب فخر، به شکنجه‌های هولناک و ستم فراوانی برمی‌گردد که وی شاهد آن بوده است. موسی الهادی، خلیفه عباسی که مردی تندخو، سنگ‌دل و بداخلاق بود (مسعودی، ۱۳۷۷ق، ج ۳، ص ۳۳۵)، عمر بن عبدالعزیز، نوه عمر بن خطاب را که به مخالفت و دشمنی با امیرالمؤمنین علی علیه السلام و آل او شهرت داشت، بر مدینه گمارده بود (ابن طباطبا، ص ۱۷۱/ یعقوبی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۳۶). و در خوار ساختن علویان و ستم بر آنان تندروی می‌کرد و هر روز از آنان تعهد می‌گرفت که نزد وی حاضر شوند تا خود شخصاً بر آنها نظارت داشته باشد و هر یک از علویان را ضامن دیگری قرار داده بود تا به موقع یکدیگر را نزد وی حاضر سازند. در جریان سرپیچی علویان از این قانون، حاکم مدینه برخورد تند و ناشایستی را با آل علی علیه السلام انجام داد (قرشی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۵۲۰) این سیاست‌ها، اثر اقدامات اندک دوره مهدی را که برای بهبودی روابط میان دو خاندان به وجود آمده بود، از بین برد و دوباره تنش میان علویان و عباسیان برقرار شد.

این رویدادها و هتک حرمت‌ها به علویان، انگیزه و عامل اصلی قیام فخر و مخالفت وی با حکومت شد (اصفهانی، ۱۳۴۹، ص ۲۹۷/ طبری، ۱۳۷۵، ج ۸، ص ۱۹۳). از سوی دیگر، ستم حاکمان عباسی بر ضد طالبیان، عاملی شد تا آنها نیز بی‌توجهی را کنار نهند و آشکار کردن هویت واقعی وی را در دستور کار خود قرار دهند. در اخبار و روایات موجود، از جمله در *المصابیح* ابوالعباس حسنی و نیز در *اخبار فخر احمد بن سهل رازی*، نشانه‌ها و شواهدی در زمینه برنامه‌ریزی‌ها و تلاش‌های حسین بن علی برای قیام در دوران مهدی وجود دارد. در سفر وی به بغداد و در ادامه به کوفه، عده زیادی از شیعیان با او بیعت کردند. وی زمان حج را برای قیام در نظر گرفت و برای افراد مورد اعتماد خود در خراسان و جبل و دیگر نواحی، نامه نوشت (رازی، ۱۹۹۵م، ص ۲۸۴). این گونه اخبار، بیانگر فعالیت‌های سیاسی پنهان حسین بن علی، دست کم در دوران خلافت مهدی عباسی است و می‌توان گفت هدف اصلی حسین از عزیمت به عراق، دیدار با پیروان و هواداران عراقی خود بود. در واقع، طلبکاران او همان پیروانش بودند که در صدد تهیه زمینه قیام بودند و او آن مبالغ را برای امر دعوت، میان آنها توزیع کرده بود.

#### ۴. چگونگی قیام در مدینه

در ایام حج، گروهی از علویان با شعار «أحد أحد» که شعار علویان در قیام‌هایشان بود، وقت نماز صبح به مسجدالنبی وارد شدند. عبدالله بن حسن افضس، مؤذن را وادار کرد در اذان «حی علی خیر العمل» بگوید. والی با شنیدن این جمله در اذان، هراسان شد و دارالحکومه را رها کرد و گریخت (اصفهانی، ۱۳۴۹، ص ۴۴۶/ هارونی، ۱۳۸۷، ص ۹۴-۹۵). حسین و یارانش موفق شدند مسجد مدینه را تصرف کنند و در آن مکان مستقر شوند. مردم نیز نماز صبح را به امامت حسین اقامه کردند (اصفهانی، ۱۳۴۹، ص ۴۴۶/ حسنی، ۱۴۲۲ق. ص ۴۷۱). حسین پس از نماز خطبه‌ای خواند و مردم را به بیعت دعوت کرد. او گفت: من، که بر فراز منبر رسول خدایم، فرزند اویم. ای مردم! شما آثار رسول خدا را در سنگ و چوب می‌جوئید و برای تبرک، آن را لمس می‌کنید؛ ولی پاره تنش را ضایع می‌سازید. او ادامه داد: من بر اساس کتاب خدا و سنت رسولش و

بر اساس فرمان برداری از او با شما بیعت می‌کنم و شما را به «الرضا من آل محمد» دعوت می‌نمایم و {تعهد می‌کنم} در میان شما بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبرش رفتار کنم و در میان رعیت، از روی عدل عمل، و بیت‌المال را به‌طور مساوی میان مردم تقسیم کنم. شما در همراهی با ما ثابت قدم باشید و با دشمنان ما بجنگید؛ اگر دیدید به وعده‌های خود عمل کردیم، شما نیز به پیمان خود وفادار باشید؛ و اگر دیدید به وعده‌های خود وقعی ننهادیم، بیعتی از ما بر گردن شما نخواهد بود (اصفهانی، ۱۳۴۹، ص ۴۵۰/طبری، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۶۰۱).

در حدیثی در *اصول کافی* آمده است که حسین بن علی، رهبر قیام، امام موسی کاظم علیه السلام را به بیعت دعوت کرد. امام فرمودند: ای پسرعمو! چیزی بر من تکلیف نکن...؛ زیرا ممکن است چیزی بگویم که مایل به گفتن آن نیستم... (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۶۶). بنابراین، حسین آن حضرت را رها کرد و خداحافظی نمود. امام نیز فرمودند: «ای پسرعمو! تو کشته خواهی شد... برخی مردم، در ظاهر مؤمن‌اند و در باطن مشرک... انا لله وانا الیه راجعون...»

نیروهای انقلابی موفق شدند پس از درگیری با سپاهیان عباسی، فرمانداری را به تصرف درآورند و بر خزانه بیت‌المال مسلط شوند. در این گیرودار، فرصت طلبان و دزدان به بیت‌المال دستبرد زدند و مقداری از اموال مسلمانان را به سرقت بردند؛ اما بقیه آن، که بین ده تا هفتاد هزار دینار برآورد شده است، به دست حسین افتاد (طبری، ۱۳۷۵، ج ۴، ۶۰۲/ابراهیم حسن، ۱۹۶۴، ج ۲، ص ۱۳۹).

روز بعد، پیروان عباسیان بر حسین و یارانش شوریدند و از صبح تا ظهر، با آنان جنگیدند؛ ولی هیچ کدام بر دیگری غلبه نکرد. سرانجام حسین توانست عباسیان مدینه را شکست دهد و شهر را آرام کند (اصفهانی، ۱۳۴۹، ص ۴۴۸-۴۴۹). پس از این، عده زیادی از مردم مدینه، و مردمی از قبایل جهینه، مزینه، ضمیره و غفار با حسین بیعت کردند. (حسینی، ۱۴۲۲ق، ص ۴۷۹/رازی، ۱۹۹۵م، ص ۲۹۵) علویان، بجز موسی بن جعفر علیه السلام و حسین بن جعفر بن حسن بن حسن، که برای بیعت عذر آوردند، همگی با حسین بن علی بیعت کردند (اصفهانی، ۱۳۴۹، ص ۴۴۷/محلّی، ۱۴۲۳ق، ص ۳۲۳).

## ۵. چگونگی قیام در مکه

حسین و یارانش یازده روز در مدینه ماندند و به تجهیز سپاه و تهیه ساز و برگ پرداختند (طبری، ج ۴، ص ۵۹۷). آنان در این چند روز در مسجد نبوی ساکن بودند. در بیست و چهارم ذی‌القعدة سال ۱۶۹ق، حسین به همراه خاندان و یارانش که حدود سیصد نفر می‌شدند، با عجله به سمت مکه حرکت کردند و چون به فح رسیدند، در آنجا اردو زدند. همان جا بود که سپاهیان عباسی به رهبری محمد بن سلیمان بن علی عباسی و عده‌ای دیگر از عباسیان، از جمله عباس بن محمد و موسی بن عیسی پس از آگاهی از شورش علویان، در «ذی‌طوی» نزدیک مکه موضع گرفتند و این گونه مانع ورود حسین و سپاهیان به مکه و رسیدنشان به وعده‌گاه «عرفات» شدند (همان، ص ۵۹۸).

محمد به حسین و یارانش امان داد؛ ولی آنها نپذیرفتند (همان، ص ۶۰۱). از سوی دیگر، حسین بن علی مردی از یاران خود را فرستاد تا بر شتری سوار شود و سخنان او را به گوش سپاه عباسی برساند. حسین گفت: ای سپاه‌پوش! این حسین بن علی، فرزند رسول خدا و فرزند پسرعموی اوست که شما را به سوی کتاب و سنت رسولش فرا می‌خواند حسین پیش از آغاز جنگ، در سخنانی به یاران خود روحیه داد و دو نتیجه را برای یارانش ترسیم کرد: پیروزی یا شهادت. سپس گفت: در نهایت ما پیروزیم (رازی، ۱۹۹۵م، ص ۱۴۸).

دو سپاه، در هشتم ذی‌حجه با هم رودررو شدند و نبرد آغاز شد. عباسیان با یک تاکتیک حساب‌شده سپاه حسین را به دام انداختند. پس از درگیری شدید بین دو طرف، حسین و بسیاری از یارانش به شهادت رسیدند و گروهی از یاران او از جمله ادريس و یحیی، پسران عبدالله محض، به میان حجاج رفتند و توانستند بگریزند (المحلی، ۱۴۲۳ق، ص ۵۹۹). بدن‌های کشتگان تا سه روز روی زمین ماند و حیوانات درنده آنها را خوردند (مسعودی، ۱۳۷۷ق، ج ۳، ص ۳۳۶). حسین و یارانش انسان‌های



وارسته‌ای بودند که حتی سپاهیان عباسی و فرماندهانشان نیز به این امر اذعان داشتند (اصفهانی، ۱۳۴۹، ص ۴۵۵ / طبری، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۶۰۲). سرها و اسیران را نزد هادی بردند. وی دستور داد سر حسین را بر پل بغداد آویختند؛ سپس آن را به خراسان فرستاد (ابن حبیب، ۱۳۶۱ق، ص ۴۹۳).

حسین بن علی، شهید فخر، در سن ۲۶ سالگی بدون آنکه از او فرزندی مانده باشد، به شهادت رسید؛ ولی برخی یاران او به اطراف متواری شدند. ادریس بن عبدالله به مغرب رفت و حکومت ادریسیان را تشکیل داد. برادرش یحیی نیز به دیلم گریخت و در آنجا قیام کرد. آیت الله خویی در معجم رجال حدیث، تمام احادیث مدح و ذم حسین بن علی را ضعیف‌السند دانسته؛ ولی درباره توثیق یا مدح او مطلبی بیان نکرده و به سکوت گذشته است (خوئی، ۱۹۷۸م، ج ۶، ص ۴۱-۴۲، ش ۳۵۱۵) علامه شیخ محمد شوشتری، در قاموس الرجال مطلبی در توثیق یا قدح وی بیان نکرده؛ ولی چپ‌نشین بحث و ذکر روایات مادحه نشان از تمایل ایشان به تأیید وی است؛ با این حال، از او با عنوان «قتیل فخر»، نه «شهید فخر» یاد کرده است و بیان داشته که شیخ طوسی او را با عنوان صاحب فخر، نه قتیل فخر یاد کرده است (شوشتری، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۴۹۱-۴۹۳) دعبل خزاعی، شاعر اهل بیت علیهم‌السلام درباره شهدای این خاندان سروده است:

قُبُورٌ بِكُوفَانٍ وَأُخْرَى بِطَبِيبَةٍ	وَأُخْرَى بِفَخْرٍ نَالَهَا صَلَوَاتِي
وَأُخْرَى بِأَرْضِ الْجَوْزِجَانِ مَحَلِّهَا	وَأُخْرَى بِبِخَمْرِي لَدَى الْغَرَبَاتِ
قُبُورٌ لَدَى النَّهْرَيْنِ مِنْ أَرْضِ كَرْبَلَا	مُعَرَّسُهُمْ مِنْهَا بِشَطِّ فِرَاتِ

(اشعری، ۱۴۱۹ق، ص ۶۶ و ۷۸)

۶. جدول اعتبارسنجی قیام فح بر اساس معیار قیام امام حسین علیه السلام

قیامها متغیرها	قیام طف (قیام کربلا)	منبع	قیام فح (حسین صاحب فح)	منبع
همراهی امام <small>علیه السلام</small> با قیام	امام حسین <small>علیه السلام</small> روز پنج‌شنبه دوم محرم سال ۶۱ ق. در کربلا فرود آمد و خود رهبری قیام را برعهده گرفت.	الفتوح، ج ۵، ص ۱۴۸.	قیام فح بدون همراهی و حضور امام موسی کاظم <small>علیه السلام</small> صورت گرفته است.	
تأیید قیام توسط امام	با حضور امام معصوم <small>علیه السلام</small> قیام کاملاً تأیید شده است.		گزارشی برای تأیید قیام از سوی امام <small>علیه السلام</small> در دست نیست.	
تأیید حضور یاران امام	نفس وجود امام معصوم <small>علیه السلام</small> حکم حضور در قیام برای دیگران است.		گزارشی وجود ندارد که امام یاران نزدیکش را برای حضور در قیام فرستاده باشد.	
تأیید اهداف از سوی امام <small>علیه السلام</small>	به دلیل حضور خود امام معصوم <small>علیه السلام</small> ، تمام اهداف قیام تأیید می‌شود.		در جریان بیعت‌گیری، پس از طرح اهداف از سوی رهبر قیام، امام از بیعت کردن و تأیید اهداف، سر باز زدند.	کلینی، ج ۱، حدیث ۸، ص ۳۶۶.
پیروی دینی رهبری از امام <small>علیه السلام</small>	رهبر قیام، خود شخص امام معصوم بوده است.		پیروی رهبر قیام از امام معصوم، در گزارش‌های تاریخی دیده نمی‌شود.	
پیروی سیاسی از امام <small>علیه السلام</small>	رهبر قیام، خود امام معصوم بوده است.		پیروی از سیاست جهادی امام کاظم <small>علیه السلام</small> توسط رهبر، قیام دیده نمی‌شود.	
جایگاه دینی رهبری قیام	رهبر قیام، نوه پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> و فرزند حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small> است.		حسین بن علی طالبی دارای جایگاه ویژه‌ای در میان مردم، به دلیل سادات بودن داشت.	اصفهانی، ۱۳۴۹، ص ۴۵۵ / طبری، ج ۴، ص ۶۰۲.
اهداف قیام	عمل به کتاب خدا و سنت رسول خدا؛ امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح امور جامعه اسلامی.	مهری، ص ۱۸-۲۸ / طبری، ج ۱۷، ص ۲۴.	عمل به کتاب خدا و سنت پیامبرش؛ سیر کردن بیتیمان و بیوه‌زنان، عزیز کردن عزیزان خدا و ذلیل کردن آتانی که خدا آنها را ذلیل کرده است؛ امر به معروف و نهی از منکر؛ و همچنین رضا به آل محمد.	اصفهانی، ۱۳۴۹، ص ۴۵۰ / طبری، ج ۴، ص ۶۰۱.
پیامدها و نتایج قیام	شهادت امام معصوم، خانواده و یاران با وفایشان، و زنده شدن اسلام و سنت پیامبر اسلام <small>صلی الله علیه و آله</small> .		پیامدهای مثبت: واکنش در برابر عباسیان و ظلم و جور آنها؛ پیامدهای منفی: بی‌تدبیری رهبر قیام و بی‌برنامگی قیام.	

۱. بر اساس طرح دکتر بارانی، جزوه کلاسی در جنبش‌ها و نهضت‌های شیعی، ۱۳۸۹.

ارزیابی ماهیت سیاسی - فکری جنبش شهید فخر در مقایسه با قیام کربلا ۱۹۹

عملکرد قیام کنندگان متناسب با اهداف مد نظر قیام، مثبت ارزیابی می‌شود.		مثبت ارزیابی می‌شود و نیز معیاری برای قیام های بعدی.	عملکرد قیام کنندگان
با تکنیک‌های نظامی، سپاهیان انقلابی را به دام انداختند و کشتند.		در کمال قساوت به قتل و آزار و اذیت پرداختند.	عملکرد مخالفان
از حضور یاران امام موسی کاظم <small>علیه السلام</small> در این قیام، گزارشی در دست نیست.	محدثی، ص ۲۱ راوندی، ۱۴۰۹ ق، به نقل از: ابو حمزه ثمالی. ابومخنف، ۱۳۶۷، ص ۱۹۷	یاران حقیقی حضور داشتند.	حضور یاران امام <small>علیه السلام</small>
شعار أحد أحد و «حی علی خیر العمل»؛ که در تاریخ نهضت‌های شیعی در اسلام، نماد حرکت‌های شیعی بوده است.	اصفهانی، ۱۳۴۹، ص ۴۴۶/ هارونی، ۱۳۸۷، ص ۹۴-۹۵.	مهری، ص ۲۸ و ۳۱.	شعار قیام هیئات من الذلّة؛ دعوت به حق؛ و ریشه کن کردن باطل.
هتک حرمت علویان؛ ظلم و جور حکام عباسی؛ تحمل نکردن ننگ و عار و ذلت برای سادات علوی؛ و عمل به تکلیف.	کاتب و اقدی، ج ۴، ص ۷؛ نیز رک: ابن عساکر، ج ۲۷، ص ۳۶۸. همچنین رک: اصفهانی، ۱۳۴۹، ص ۲۹۷/ طبری، ج ۸، ص ۱۹۳.	رک: مجلسی، ج ۴۴، ص ۲۲۴ تا ۳۲۹، مقدم، ۱۳۸۱، ص ۱۸۴.	عوامل قیام فشار یزید برای بیعت‌گیری از امام <small>علیه السلام</small> ظلم و ستم و زیر پا گذاشتن آموزه‌های اسلامی، کتاب و سنت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> و رواج منکرات در جامعه اسلامی.
امام معصوم، خطاب به رهبر قیام می‌فرماید: او مسلمانی صالح، بسیار روزه‌دار و نمازگزار بود و امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد. در میان خاندانش کسی چون او نبود. «انا لله وانا الیه راجعون».	اصفهانی، مقاتل الطالبيين، ۳۸۵ ق، ص ۲۰۲/۳، مجلسی، ۳۸۵ ق، ج ۸، ص ۱۶۵.	رک: مجلسی، ج ۴۴، ص ۲۴۷ و ۲۴۸/صدوق، ۱۳۸۹، ص ۱۰۱-۹۹ رقمی، ۱۳۷۰، ص ۳۲۱.	تأیید و تمجید شخصیت رهبر از جانب امام <small>علیه السلام</small> طبق روایات خود پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> ، امام علی و فاطمه زهرا <small>علیهما السلام</small> و دیگر ائمه <small>علیهم السلام</small> ، درباره سیدالشهدا <small>علیه السلام</small> گفتارهای تأیید آمیز بلندی دارند.

نتیجه

در اعتبارسنجی قیام فخر بر اساس معیار قیام امام حسین علیه السلام، با توجه به یافته‌های جدول یادشده می‌توان چنین نتیجه گرفت: همان‌گونه که قیام امام حسین علیه السلام عکس‌العملی در برابر فشار یزید برای بیعت‌گیری از امام علیه السلام، ظلم و ستم، زیر

پا گذاشتن آموزه‌های اسلامی، کتاب و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و رواج منکرات در جامعه اسلامی بود، قیام فح نیز عکس‌العملی در برابر هتک حرمت‌های صورت‌گرفته بر علویان، ظلم و جور حکام عباسی، تحمل نکردن ننگ و عار و ذلت برای سادات علوی، و عمل به تکلیف بوده است. قیام عاشورا با توجه به حضور امام حسین علیه السلام و یاران صدیق ایشان، معیاری برای ارزیابی قیام‌های بعدی شد که قیام حسین بن علی صاحب فح، یکی از آنهاست. وی هدف خود را از قیام در برابر عباسیان، عمل به کتاب خدا و سنت پیامبرش، سیر کردن یتیمان و بیوه‌زنان، عزیز کردن عزیزان خدا و ذلیل کردن آنانی که خدا آنها را ذلیل کرده است، امر به معروف و نهی از منکر، و همچنین رضای به آل محمد معرفی کرده است. بنابراین، با توجه به اهداف قیام شهید فح، عملکرد قیام‌کنندگان مثبت ارزیابی می‌شود؛ اما جنبش شهید فح پیامدهایی را نیز برای جامعه علویان آن روز به بار آورد. از پیامدهای مثبت آن می‌توان به واکنش در برابر عباسیان و ظلم و جور آنها اشاره کرد؛ اما از مهم‌ترین پیامدهای منفی این جنبش، بی‌تدبیری رهبر قیام و بی‌برنامگی قیام بوده است. مهم‌ترین مسئله در بررسی قیام فح و تحلیل موضع‌گیری امام آن عصر، یعنی امام موسی کاظم علیه السلام این است که اگرچه ایشان رهبر قیام را مسلمانی صالح و بسیار روزه‌دار و نمازگزار معرفی می‌کنند که امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد و در میان خاندانش کسی چون او نبود، اما نه تنها گزارشی درباره تأیید قیام فح از سوی آن حضرت در دست نیست بلکه در جریان بیعت‌گیری، پس از طرح اهداف از سوی رهبر قیام، امام از بیعت با او و تأیید اهدافش سر باز زدند. بنابراین، قیام فح بدون همراهی و حضور امام موسی کاظم علیه السلام صورت گرفته است. افزون بر این شخص امام معصوم هم در قیام حضور ندارند. حتی گزارشی وجود ندارد که امام یاران نزدیک خود را برای حضور در قیام فرستاده باشد. از سوی دیگر، تبعیت رهبر قیام از سیاست جهادی امام کاظم علیه السلام که مسلماً قیام به شمشیر نبوده است، دیده نمی‌شود.

## منابع

۱. ابن اثیر(عزالدین)، تاریخ کامل، ترجمه محمدحسین روحانی، ج ۸، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰.
۲. ابن اعثم کوفی، محمدبن علی، الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۱ق.
۳. ابن بابویه، محمدبن علی (شیخ صدوق)، الامالی، قم، نسیم کوثر، ۱۳۸۹.
۴. ابن حبیب، محمد، المحبر، تصحیح الیزه لیختن شتیتر، بیروت، دار الافاق الجدیده، ۱۳۶۱ق/ ۱۳۱۹ش.
۵. ابن خلدون، عبدالرحمان، العبر، ج ۳، بیروت، مؤسسة جمال للطباعة والنشر، ۱۹۷۹م.
۶. ابن طباطبا، محمدبن علی، تاریخ الفخری، ترجمه محمدوحید گلپایگانی، تهران، علمی و فرهنگی.
۷. ابن عساکر، علی بن حسین، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت، دار التراث العربی، ۱۴۱۹ق.
۸. ابن عنبه، احمد بن علی، عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب، قم، انصاریان، ۱۴۱۷ق.
۹. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، ج ۱، المعارف، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۱۰ق.
۱۰. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، البدایة و النهایة، تحقیق علی عبدالساتر و دیگران، ج ۱۰ و ۷، چاپ دوم، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۹۸۷م.
۱۱. ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب المحيط، بیروت، دارالجلیل، دار لسان العرب، ۱۳۶۴.
۱۲. ابوالعباس حسنی، احمد بن ابراهیم، المصابیح، عبدالله بن عبدالله بن احمد الحوثی، چاپ دوم، عمان، مؤسسه الامام الزید بن علی الثقافی، ۱۴۲۳ق.
۱۳. ابی مخنف، لوط بن یحیی الازدی الغامدی الکوفی، وقعة الطف، تحقیق محمدهادی الیوسفی الغروی، قم، جماعة المدرسین، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۷.
۱۴. اشعری، علی بن اسماعیل، مقالات الاسلامیین واختلاف المصلین، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت، المكتبة العصرية، ۱۴۱۹ق، ۱۹۹۹م، ۱۳۷۸ش.
۱۵. آشوری، داریوش، فرهنگ علوم انسانی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۴.
۱۶. اصفهانی، ابوالفرج علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، اسلامیه، ۱۳۴۹.
۱۷. آقابخشی، علی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک ایران، ۱۳۷۴.
۱۸. الامینی، محمد هادی، بطل فخر، نجف اشرف، مطبعة الحیدریة، ۱۹۶۹م.
۱۹. بی، ازل، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضل، چاپ چهارم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه ها (سمت)، ۱۳۸۵.
۲۰. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق عبدالعزیز الدوری، بیروت، دار النشر، ۱۳۹۸ق.

۲۱. جعفریان، رسول، تأملی در نهضت عاشورا، قم، انصاریان، ۱۳۸۱.
۲۲. حسن ابراهیم، حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ج ۲، ط السادة، بیروت، دار الاندلس، ۱۹۶۴.
۲۳. حسنی، احمد بن ابراهیم ابوالعباس، المصابیح، عمان (اردن)، مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیة، ۱۴۲۲ ق، ۲۰۰۲ م.
۲۴. حموی، شهاب‌الدین یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، تصحیح محمد عبدالرحمن مرعشی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی و مؤسسه التاریخ العربی، [بی تا].
۲۵. خوئی، ابوالقاسم، معجم الرجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، ج ۶، بغداد، المكتبة الوطنية، ۱۹۷۸.
۲۶. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۲۷. رازی، احمد بن سهل، اخبار فخر و خبر یحیی بن عبدالله و اخیه ادريس بن عبدالله؛ تحقیق ماهر جرار، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۹۹۵ م / ۱۳۷۴ ش.
۲۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، چاپ دوم، مرتضوی، ۱۳۶۲.
۲۹. راوندی، قطب‌الدین، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه الامام المهدی ۱۴۰۹ ق.
۳۰. رضوی اردکانی، ابوفاضل، ماهیت قیام شهید فخر، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.
۳۱. الزین، محمد خلیل، تاریخ الفرق الاسلامیة، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۹۸۵ / ۱۴۰۵ ق.
۳۲. شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۱۰ ق.
۳۳. صفری فروشانی، نعمت‌الله، «تحلیلی بر قیام‌های علویان در دوران امام رضا و ارتباط آن با ولایت‌عهدی»، فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی، س ۷، ش ۲۶، تابستان ۱۳۸۸.
۳۴. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱۱، چاپ چهارم، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵.
۳۵. علی بابایی، غلامرضا، فرهنگ علوم سیاسی، چاپ دوم، تهران، شرکت نشر و پخش ویس، ۱۳۹۶ ق.
۳۶. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، ج ۳، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق.
۳۷. قرشی، شریف باقر، تحلیلی از زندگی امام کاظم، مشهد، کنگره جهانی حضرت رضا، ۱۳۶۸-۱۳۶۹.
۳۸. قمی، عباس، سیمای پرفروغ محمد، ترجمه محمد محمدی اشتهاردی، قم، ناصر، ۱۳۷۰.
۳۹. کاتب واقدی، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۷، بیروت، دار الصادر، [بی تا].

۴۰. کاظمی پوران، محمد، قیام‌های شیعه در عصر عباسی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الأصول، تحقیق محمد جواد الفقیه، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۳ق.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الأصول، ج ۱، باب ما یفصل به بین دعوی المحق والمبطل فی أمر الامامة.
۴۳. کیوی، ریمون، و لوکوان، کامپنهود، روش تحقیق در علوم اجتماعی (نظری و عملی)، تهران، نشر توتیا، ۱۳۸۵.
۴۴. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷.
۴۵. لیبیست، سیمور مارتین، دایرة المعارف دموکراسی، ترجمه کامران فانی، نورالله مرادی، تهران، وزارت امور خارجه، کتابخانه تخصصی، ۱۳۸۳.
۴۶. اللیثی، سمیره مختار، جهاد الشیعة فی عصر العباسی الاول، ترجمه محمد حاجی تقی، تهران، مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۴.
۴۷. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۸، تهران، المكتبة الاسلامية، ۱۳۸۵ق.
۴۸. محدثی، جواد، فرهنگنامه عاشورا، قم، معروف، ۱۳۷۵.
۴۹. المحلی، حمید بن یزید، الحدائق الوردیة فی مناقب الائمة الزیدیة، تحقیق مرتضی بن زید المحطوری الحسنی، صنعا، مطبوعات مكتبة مرکز بدر، ۱۴۲۳ق.
۵۰. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب ومعادن الجوهر، ج ۳، تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، بیروت، المكتبة الاسلامية، ۱۳۷۷ق/۱۹۵۸م.
۵۱. مفید، الارشاد، تصحیح محمد باقر ساعدی خراسانی و محمد باقر بهبودی، تهران، اسلامیه، ۱۳۸۰.
۵۲. مقرر، عبدالرزاق، مقتل الحسين، ترجمه عزیزاللهی کرمانی، قم، دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۸۱.
۵۳. مهری، محمد جواد بن عباس، قبسات من کلمات الامام الحسين، طهران، وزارة الارشاد الاسلامی، ۱۴۰۲ق/ ۱۳۶۰ش.
۵۴. نوروزی خیابانی، مهدی، فرهنگ لغات و اصطلاحات علوم سیاسی، تهران، مرکز ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۲.
۵۵. هارونی، ابوطالب یحیی بن حسین، الافادة فی تاریخ الائمة الزیدیة، تصحیح و تحقیق محمد کاظم رحمتی، تهران، مرکز پژوهش‌های میراث مکتوب، ۱۳۸۷.
۵۶. الهی زاده، محمد حسن، جنبش حسنیان، قم، شیعه‌شناسی، ۱۳۸۵.

۵۷. یعقوبی، ابن‌واضح، **تاریخ یعقوبی**، تحقیق عبدالامیر مهناج، ج ۱ و ۲، بیروت، مؤسسه علمی للمطبوعات، ۱۴۱۳.

۵۸. یعقوبی، ابن‌واضح، **تاریخ یعقوبی**، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.

59. Deverdun, G. "Hasani", **Encyclopedia of Islam**, vol.VIII, Leiden, 1993.

60. Lewis.B, "abbasids", **Encyclopedia of Islam**, vol.1, Leiden, 1989.

61. Deverdun.G "hasani", **Encyclopedia OF Islam Vol.3**, Leiden 1979.

62. Veccia Vaglieri, Laur, "FaKHKH", P. Bearman, Th. Bianquis, C.E. Bosworth, E. van Donzel, and W.P.

63. Heinrichs, In: **Encyclopaedia of Islam**. Second ed, Brill Online, 1986.